

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



تشدید سرکوب رسانه‌ها در اسرائیل

روزنامه‌نگارانی که در اسرائیل فعالیت می‌کنند روز به روز بیشتر با آزار، خشونت و محدودیت‌های بیش از پیش برای گزارش در خصوص نتایج جنگ ماه ژوئن با ایران که توسط ارتش اسرائیل سانسورهای شدید در مورد آن اعمال شده‌است، مواجه می‌شوند. روزنامه‌نگاران فلسطینی خبر داده‌اند که بیشترین آسیب سرکوب علیه آزادی رسانه‌ها متوجه آنهاست و به صورت سازمان‌یافته از سوی پلیس به آنها حمله می‌شود و گروه‌های اوباش هنگام فعالیت رسانه‌ای با آنها رفتارهای خصمانه‌ای دارند. سانسور ارتش اسرائیل بسیار قدرتمند است و همه رسانه‌ها چه داخلی و چه خارجی برای مسائل مرتبط با امنیت ملی باید مجوز ارتش اسرائیل را دریافت کنند. نشریه+۹۷۲ به تازگی گزارش داده‌بود که بر اساس داده‌هایی که این نشریه از سال ۲۰۱۱ تاکنون جمع‌آوری کرده‌است، در طول سال ۲۰۲۴ میزان استفاده ارتش اسرائیل از سانسور خبرها به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته‌بود. بر اساس این گزارش سال گذشته (۲۰۲۴) ارتش اسرائیل جلوی انتشار ۱۶۳۵ گزارش را گرفت و بیش از ۶۲۶۵ بار از تذکر برای جلوگیری از گزارش بیشتر استفاده کرد که به صورت متوسط معادل ۲۱ گزارش در روز و معادل ۳۸ درصد از کل ۲۰ هزار گزارشی است که برای صدور مجوز به واحد سانسور ارتش اسرائیل ارائه می‌شود. هاگایی مатар، مدیر اجرایی نشریه ۹۷۲+ به میدل ایست‌ای می‌گوید: «چیزی شبیه به این در هیچ یک از دیگر کشورهایی که خودشان را لیبرال و دموکراتیک معرفی می‌کنند وجود ندارد.» بر اساس گزارش سالانه خبرنگاران بدون مرز جایگاه اسرائیل در شاخص آزادی رسانه از رتبه ۱۰۱ جهانی در سال ۲۰۲۴ به رتبه ۱۱۲ جهانی سقوط کرده‌است و به گفته خبرنگاران بدون مرز از زمان آغاز جنگ غزه خبرنگاران با «سرکوب شدیدیتر» مواجه‌شده‌اند. ماه گذشته اداره سانسور ارتش اسرائیل مجموعه جدیدی از مقررات را منتشر کرد که بیش از پیش توانایی خبرنگاران برای گزارش را محدود می‌کرد. بر اساس این دستورالعمل جدید خبرنگاران برای تهیه گزارش از محل برخورد موشک نیازمند مجوز مکتوب از ارتش هستند و در صورت عدم رعایت چنین مقرراتی با مجازات‌های جدی مواجه خواهند شد.

گزارش‌های متعددی از برخورد خشونت‌آمیز پلیس با رسانه‌های خارجی و داخلی که قصد تهیه گزارش از مناطق مختلف آسیب‌دیده از جنگ با ایران داشتند تاکنون منتشر شده‌است. بر اساس برخی گزارش‌ها روزنامه‌نگاران حتی از نزدیک شدن به محل برخورد راکت و موشک هم منع می‌شوند. آنتون شلهات مدیر مرکز اعلام مدیا که از حقوق روزنامه‌نگاران فلسطینی فعال در اسرائیل حمایت می‌کند، به میدل ایست‌ای می‌گوید که دست‌کم ۳۰ خبرنگار فلسطینی گزارشی در مورد برخورد پلیس در هنگام تهیه گزارش از حملات ایران به شهرها و شهرک‌های اسرائیلی به این مرکز داده‌اند. به گفته او این برخوردها شامل برخورد فیزیکی، تهدید و ارباب و ضبط تجهیزات بوده‌است. شلهات می‌گوید هرچند این برخوردها توسط پلیس رخ داده‌است، اما گزارش‌هایی هم از حمله گروه‌های اوباش به خبرنگاران عرب وجود دارد. به گفته او در حال حاضر فعالیت رسانه‌ای در اسرائیل به مسئله‌ای نژادی تبدیل شده‌است. خبرنگاران اسرائیلی هم می‌گویند که آزار خبرنگاران عرب‌تبار از زمان منع فعالیت الجزیره در اسرائیل، تشدید شده‌است. اورن زیو عکاس اسرائیلی می‌گوید: «دستورالعمل‌های بسیار پیچیده و گیج‌کننده‌ای وجود دارد و قبل از انتشار هر عکس باید این دستورالعمل‌ها را چک کرد و بررسی کرد که دیگران چه کاری می‌کنند.» به گفته او حتی گاهی وقتی به خود عکاسان اسرائیلی هم مجوز عکاسی داده می‌شود، پلیس جلوی فعالیت آنها را می‌گیرد و آنها را آزار می‌دهد. زیو می‌گوید: «به ما می‌گویند شما چپ هستید و به ایران خدمت می‌کنید. اینجا عکس نگیرید. در واقع یک رویکرد کلی وجود دارد که همه دشمن هستند و باید سرکوب شوند، فرقی نمی‌کند که چه کسی باشی.» با این حال این عکاس اسرائیلی تأکید می‌کند: «اما اگر شما یک روزنامه‌نگار یا عکاس عرب باشید، مطمئناً زودتر از بقیه با برخورد مواجه می‌شوید.»

دیپلماسی



DIPLOMACY



عکس: Getty Images

رویای تکرار النکسه

نتانیاهو امیدوار بود جنگ با ایران به توفیقی بزرگ تر از پیروزی اسرائیل در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ تبدیل شود



شهاب شهنساری

خبرنگار گروه دیپلماسی

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا به امروز، اسرائیل روز به روز عملیات خود را در منطقه خاورمیانه گسترده‌تر می‌کند. آنچه امروز اسرائیل در منطقه انجام می‌دهد، برای بسیاری از اعراب که خاطره‌ای از گذشته دارند یا تاریخ خوانده‌اند، یادآور شکست اعراب در جنگ ۱۹۶۷ مشهور به النکسه (پسرفت) است؛ شکستی که دو دهه پس از النکبه (نکبت) و تشکیل اسرائیل، عملاً بزرگ‌ترین ارتش‌های عربی را زمینگیر کرد و جایگاه اسرائیل را در منطقه تثبیت کرد. شرایط امروز خاورمیانه مانند دوره نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نیست که اسرائیل به عنوان یک بازیگر ظاهرأ مسئول و صلح‌طلب به اعراب معرفی شود که قرار است برای مقابله با تهدید ایران در چارچوب یک فرآیند اتحاد و ادغام منطقه‌ای در مقابل دشمن مشترک، با اعراب وارد فرآیند صلح شود. اسرائیل امروز به عنوان یک بازیگر توسعه‌طلب و خشونت‌طلب در حال تحمیل کردن شرایط خود به دیگر کشورهای منطقه است و بار دیگر مانند سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ قصد دارد منطقه را بر اساس معیارها و نقشه‌های خود بازترسیم کند.

در خاورمیانه جدید اسرائیل راهکار دودولتی، مرزهای ۱۹۶۷، کشور مستقل فلسطینی و موجودیت هر گروه یا دولتی که با اسرائیل سر جنگ داشته‌باشد، پذیرفته نیست و اسرائیل تنها قدرت سلطه‌گر در منطقه خواهد بود. دورنمای چنین خاورمیانه‌ای برای کشورهای عربی خوشایند نیست. تا پیش از این قدرت‌های عربی منطقه، از قدرت ایران به عنوان عامل توازن در مقابل اسرائیل بهره می‌بردند، اما اگر دورنمایی وجود داشته‌باشد که ایران توان ایستادگی در مقابل اسرائیل را نداشته‌باشد، آنگاه بار دیگر کشورهای عربی مستقیماً باید با اسرائیل مواجه شوند؛ آن هم اسرائیلی که در صورت موفقیت در شکل دادن به خاورمیانه جدید، روحیه‌ای تازه پیدا کرده‌است و کمتر حاضر به مصالحه و عقب‌نشینی است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، که از حمایت کامل و بدون قید و شرط آمریکا از خود اطمینان دارد، واکنشش به عملیات حماس را به فرصتی برای تغییر چهره دائمی خاورمیانه تبدیل کرده‌است. در طول ۲۱ ماه گذشته اسرائیل نه‌تنها در غزه و کرانه باختری عملیات خود را روز به روز گسترده‌تر کرده‌است، بلکه در سوریه، لبنان، یمن و نهایتاً ایران نیز دست به اقدام نظامی زده‌است. جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران تازه‌ترین مرحله در برنامه نتانیاهو برای ترسیم نقشه جدید خاورمیانه بود. نخست‌وزیر اسرائیل با این برنامه که به تدریج پس از آسیب زدن به حماس و حزب‌الله لبنان و سقوط بشار اسد، یک به یک دشمنانش در حال حذف شدن هستند، سراغ ایران آمد تا بتواند با آسیب زدن به ایران، اصلی‌ترین دشمن خود را در منطقه ناکار کند. اما فرآیند پیشروی نتانیاهو در منطقه، باعث شده‌است که دشمنان تازه‌ای برای او ایجاد شوند. توسعه‌طلبی مهارناپذیر اسرائیل، روزبه‌روز اعراب منطقه را بیش از پیش نگران آینده منطقه می‌کند. به هم خوردن توازن قوا در منطقه خاورمیانه نه‌تنها منفعتی برای

کشورهای عربی ندارد، بلکه باعث خواهد شد تا اسرائیل به عنوان یک هژمون، خواسته‌های خود را به کشورهای منطقه دیکته کند.

▼ رویای ۱۹۶۷

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، بنیامین نتانیاهو که در داخل اسرائیل با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند، قصد دارد تا با دستیابی به یک پیروزی ترکیبی نظامی و سیاسی، ضمن زمینگیر کردن دشمنان خود در منطقه، معادله جدیدی را به نفع اسرائیل در خاورمیانه ایجاد کند. الگوی نتانیاهو برای شکل دادن به خاورمیانه جدید، پیروزی بزرگ اسرائیل در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ است. راب گایست پینفولد، استاد کینگز کالج لندن در مقاله‌ای که در اندیشکده شورای خاورمیانه در امور جهانی منتشر کرده‌است با اشاره به اینکه اسرائیل پس از دوره تجدیدنظرطلبانه در سال‌های نخست تشکیل در دهه‌های اخیر به ماهیتی حامی حفظ وضع موجود در خاورمیانه تبدیل شده‌بود، می‌نویسد: «به صورت خلاصه این... [رژیم] مجدداً از حالت بازیگر وضع موجود به یک قدرت تجدیدنظر متحول شده‌است، درست شبیه به دوران آغاز تشکیلش. این مسئله نتایج مخاطره‌آمیزی برای خاورمیانه، که اکنون در آستانه فروغلتیدن به یک جنگ تمام‌عیار است، در بر خواهد داشت.» این تحلیل‌گر با اشاره به نگرانی نتانیاهو از برکناری و محاکمه به دلیل بی‌کفایتی در برابر حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ می‌نویسد: «نتانیاهو با هدف پیشدستی برای جلوگیری از چنین واقعه‌ای ممکن است به این نتیجه رسیده‌باشد که باید به رای‌دهندگان دستاوردی تاریخی در ابعادی مشابه پیروزی در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ ارائه دهد. نتانیاهو به دنبال هنگامه ۱۹۶۷ خودش است تا در دادگاه افکار عمومی خود را تبرئه کند. تصادفی نیست که این جنگ باعث شده‌است دادگاه رسیدگی به اتهام‌های فساد نتانیاهو بارها و بارها به تأخیر بیفتد. بی‌دلیل نیست که او یک‌شبه از نتانیاهوی محتاط و حسابگر به نتانیاهوی قمارباز تبدیل شد.» راب گایست پینفولد می‌نویسد: «وعده نتانیاهو برای ساختن خاورمیانه جدید ناشی از تلاش او برای تکرار هنگامه ۱۹۶۷ است. در این مسیر نتانیاهو نخست مسئله غزه را کاملاً از میان بر می‌دارد و پس از آن ایران را وادار به تسلیم یا تغییر نظام می‌کند و آخرین مانع را در برابر سلطه منطقه‌ای خود حذف می‌کند و راه برای عادی‌سازی روابط با دیگر کشورهای پیرامون باز می‌شود. واقعیت این است که اگر اسرائیل بتواند چنین برنامه‌ای را عملی کند، عملاً پیروزی بزرگ‌تری نسبت به جنگ ۱۹۶۷ به دست آورده‌است و می‌تواند ترکیبی از موفقیت سیاسی و نظامی برای خود دست و پا کند اما این چشم‌انداز آرمان‌شهری به همان اندازه که دور از ذهن است، غیرمحتمل هم به نظر می‌رسد اما نتانیاهو با ترسیم این نقشه برای افکار عمومی اسرائیل اینگونه وانمود می‌کند که اگر موفق شود، جایگاه اسرائیل را به صورت دائمی در منطقه تثبیت کرده‌است و در خاورمیانه ادغام می‌شود.» این استاد دانشگاه ادامه می‌دهد: «نتانیاهو برای نجات جایگاه سیاسی خود، اسرائیل را از یک هویت حامی وضع موجود به یک هویت تجدیدنظرطلب به بدترین شکل تبدیل کرده‌است. او با حمله به ایران منطقه



انور قرقاش

دیپلمات ارشد اماراتی:

جنگ ایران و اسرائیل درست برخلاف نظم منطقه‌ای بود

که کشورهای خلیج[فارس]آخواهان آن هستند، نظمی که رونق و توسعه را بر منازعه ترجیح می‌دهند. مشکلات زیادی در منطقه وجود دارد، اما اگر بخواهید همه این مسائل را با چکش حل و فصل کنید، آنگاه هیچ چیز سالمی باقی نمی‌ماند

را در معرض یک منازعه بی‌پایان بدون هیچ راه خروج قرار داده‌است.»

العربی الجديد می‌نویسد جنگ‌های اخیر اسرائیل با این هدف هستند که یک خاورمیانه جدید ایجاد کنند و درست مانند جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ واقعیت‌های جدیدی را در منطقه تحمیل کنند و کشورهای عربی را مانند کمپ‌دیوید و وادی عربا، وادار به فرآیندهای صلح جدید کنند. امین قُموریه، تحلیل‌گر کهنه‌کار سیاسی در لبنان به العربی الجديد می‌گوید: «آنچه امروز در منطقه رخ می‌دهد از النکسه (پسرفت) در ۱۹۶۷ و نتایج آن گسترده‌تر است.» او تشریح می‌کند: «اسرائیل تنها در ۶ روز در سال ۱۹۶۷ معادله راهبردی جدیدی را تحمیل کرد و واقعیت‌های جدیدی را تثبیت کرد که تا به امروز دوام آورده‌اند. اما شرایط امروز و سه جنگ اسرائیل در غزه، لبنان و ایران، کاملاً متفاوت است و نتایج آن به شدت گسترده‌تر خواهد بود.»

مونا یعقوبیان، پژوهشگر اندیشکده مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل (CSIS) به العربی الجديد می‌گوید: «هنوز پاسخی به این سوال داده‌نشده‌است که منطقه پس از منازعه جاری چه شکلی به خود خواهد گرفت. ممکن است نتیجه این منازعه تلاش‌های شدید دیپلماتیکی باشد که یک نظام مبتنی بر قانون را در منطقه حاکم کند یا ممکن است نتیجه آن این باشد که اسرائیل به عنوان هژمون نظامی بدون رقیب در منطقه قد علم کند.» رثیف خوری، تحلیل‌گر لبنانی معتقد است که اسرائیل پس از جنگ با ایران تلاش خواهد کرد که معادله بازآرندگی جدیدی را به منطقه تحمیل کند. خوری پیش‌بینی می‌کند که پس از نبردهای اخیر شاهد موج تازه‌ای از توافقنامه‌های عادی‌سازی عربی-اسرائیلی باشیم که پرچم‌دار آن نظام جدید حاکم بر سوریه است که قصد دارد پیمان صلح با اسرائیل امضا کند. امین قُموریه اما معتقد است که اسرائیل در گام بعدی به افراد و کشورهایی حمله خواهد کرد که هنوز در منازعه مستقیم با اسرائیل نیستند اما از نظر اسرائیل تهدیدهای آینده تلقی می‌شوند. وی معتقد است که «عادی‌سازی» با فرض روابط عادی است، اما شرایط حاضر اصلاً عادی نیست بلکه بر مبنای یک عدم توازن است که اسرائیل شرایط خود را به دیگران تحمیل می‌کند.

▼ هراس اعراب از خاورمیانه جدید نتانیاهو

هر روز که از جنگ‌های اسرائیل در منطقه می‌گذرد، با هر پیشروی و پیروزی اسرائیل، در فلسطین، لبنان و سوریه، نگرانی‌های دولت‌های عربی نسبت به آینده منطقه افزایش پیدا می‌کند. برانون مدوکس، مدیر اجرایی اندیشکده چتم‌هاوس، می‌نویسد: «اسرائیل پس از دو سال حمله به گروه‌های نیابتی ایران و حالا به خود ایران، نشان داده‌است که اکنون قدرت نظامی مسلط در خاورمیانه است. حالا اسرائیل دیگر مانند گذشته تمایلی به توافق عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی نشان نمی‌دهد. سوالی که همچنان در منطقه باقی مانده، این است که آیا واقعا اسرائیل تنها راه توفیق خود را زندگی در جنگ‌های همیشگی و بی‌پایان در یک منطقه سخت می‌داند. چنین رویکردی از سوی اسرائیل همه کشورهای همسایه را دچار هراس می‌کند.» کنسلی اسوتلوا، پژوهشگر اندیشکده چتم هاوس، می‌نویسد: «کشورهای خلیج[فارس] از تشدید تنش و سرریز کردن تنش‌ها هراس دارند. آنها به دولت نتانیاهو اعتمادی ندارند و میزان همکاری آنها با اسرائیل و آمریکا در جنگ اخیر نسبت به حملات یک سال پیش ایران و اسرائیل به یکدیگر به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کرد. حکومت‌های عربی به صورت تاریخی از موجودیت یک هژمون قدرتمند در منطقه خوش‌شان نمی‌آید. حتی اگر فرض کنیم که روابط این حکومت‌ها با اسرائیل هم نسبتاً خوب باشد، اما نسبت به این سناریو[سلطه اسرائیل بر منطقه] نگرانی دارند.» اچ. ای. هلی‌یر، پژوهشگر ارشد امنیتی در اندیشکده موسسه خدمات متحده سلطنتی (RUSI) در نشریه تایم می‌نویسد: «به صورت خلاصه می‌توان گفت حتی در بین حکومت‌هایی که تا به امروز به شدت متفقد ایران بودند هم نسبت به یک اسرائیل بدون محدودیت نگران هستند. چشم‌انداز نظم منطقه‌ای که در آن اسرائیل با مصونیت هر اقدامی انجام دهد و هنجاری‌های امنیتی را به همسایگانش تحمیل کند، از اساس برای حکومت‌های عربی غیرقابل قبول است. این مسئله را حتی کشورهایی که به صورت سنتی متحد غرب هستند، مانند عربستان سعودی و اردن هم نمی‌پذیرند.» این تحلیل‌گر امنیتی ادامه می‌دهد: «جنگ ایران و اسرائیل، فعلاً، تمام شد. اینکه چه بر سر برنامه هسته‌ای ایران آمده‌است، مسئله‌ای است که باید با گذر زمان و ارزیابی نهادهای اطلاعاتی مشخص شود. اما یک چیز دیگر هم با این جنگ در منطقه تمام شد. دوران جدیدی در منطقه حاکم می‌شود بر مبنای قاعده هر که زور بیشتری دارد، حق بیشتر دارد، راست. نتایج چنین قاعده‌ای را هنوز نمی‌توان با قاطعیت ارزیابی کرد، اما بدون تردید واکنش‌های زیادی را در منطقه به چنین معادله‌ای شاهد خواهیم بود.»

آمریکا و اسرائیل انتظار این واکنش را از اعراب نداشتند انتظار آمریکا و اسرائیل این بود که کشورهای منطقه